

جایگاه انسان در جهان هستی از دیدگاه قرآن

مهدی جعفری نجفی^۱

۱- رئیس گروه توسعه شبکه فضایی، شرکت خدمات انفورماتیک، تهران-ایران، m_jafari@isc. co. ir

چکیده

در آیه اول هدف از خلقت انسان ذکر شده است. مطابق این آیه خداوند به فرشتگان می‌گوید که خلیفه‌ای در زمین قرار خواهد داد. از آیه دوم به وضوح می‌توان دریافت که خلیفه مشخصا همان آدم است. زیرا این آیه بلافاصله پس از آیه اول و در ادامه بیان همان موضوع انتخاب خلیفه در زمین ذکر شده، و تعلیم اسماء به آدم در راستای نیازهای خلیفه شدن باید باشد. مطلب دیگر این است که، از ظاهر آیه اول که خداوند می‌فرماید «بدرستی که من در زمین خلیفه‌ای قرار می‌دهم» و ادامه آن، که فرشتگان به خداوند عرضه می‌دارند «وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ: ما تسبیح و حمد تو را بجا می‌آوریم، و تو را تقدیس می‌کنیم»، و اینکه ایشان خود را نسبت به آدم بیشتر شایسته خلافت می‌دانند، استنباط اینکه خلافت مورد اشاره، مقامی والا بوده و مشخصا جانشینی خداوند مدنظر است، قطعی بنظر میرسد.

بنابراین، مهمترین تفاوت انسان امروزی با همه دیگر موجودات عالم از دیدگاه قرآن، این است که انسان به عنوان جانشین خالق جهان برگزیده شده است. یعنی انسان در جایگاه جانشین خدا، باید بجای او همان کار او را (یا بخشی از کار او را) در رابطه با مورد خاصی انجام دهد. حضرت آدم علیه السلام تجربه زندگی در این جهان را داشته و فعل خدا هم در ارتباط با گونه آدم و

جهان هستی حداقل شامل تدبیر امور آنان می‌شود. در نتیجه باتوجه به آیه اول، انسان به مقام جانشینی خداوند برگزیده شده، تا به نیابت از او تدبیر امور خود و جهان هستی را بدست گیرد. آیه دوم می‌گوید (وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا) یعنی «و - خداوند - همه اسماء را به آدم تعلیم داد». آیات و تاکیدات بی‌شمار قرآن در خصوص خلقت آسمانها و زمین و اینکه آنها و هر آنچه در آنهاست را مسخر انسان کرده، نمی‌تواند بدون هدف مهمی تلقی شود («وَ سَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ...»). بنابراین علمی که از آن در آیه دوم یاد شده که به انسان آموخته شده، باید در ظرف پذیرش آدم بوده و لذا حداقل شناخت موجودات و پدیده‌های تجربه پذیر این عالم را شامل می‌گردد. از طرفی از آیه ششم (و آنچه در آسمانها و آنچه در این زمین است همه را که از اوست به سود شما مسخر نمود) هم می‌توان چنین دریافت کرد که آن علمی که در آیه دوم از آن یاد شده و انسان آنرا فرا گرفته، حداقل مربوط به آفرینش آسمانها و زمین، پدیده‌ها و تمامی موجودات در آنهاست. زیرا، همه آسمانها و زمین و هر آنچه در آنست را تحت کنترل و سیطره انسان قراردادن، در حالی که علم و آگاهی نسبت به آن نداشته باشد، توجیه ناپذیر بوده و منطقی بنظر نمی‌رسد.

اما صرف داشتن علم و شناخت نسبت به نظام هستی، تکافوی شروط لازم برای جانشینی خداوند و تدبیر امور آن نیست. آنچه که در کنار کسب علم و برای ادای وظیفه جانشینی مورد نیاز است، قدرت اعمال طرح، نظر و اراده است.

در آیه سوم خداوند به همه ملائک- بعنوان کارگزاران و مجریان فرامین او در اداره نظام هستی- می‌گوید که «چون آفرینشش را به پایان بردم و از روح خود در آن دمیدم، در برابر او به سجده بیفتید». در این آیه خداوند یک ویژگی دیگر به انسان عطا می‌کند، که همان روح خودش است. اما روح خدا چیست و چه کارکردی دارد و چرا برای داشتن مقام جانشینی خداوند به آن نیاز است؟ آیه چهارم خاصیت و ویژگی روح خدا را بیان می‌کند و از تو در مورد روح می‌پرسند، بگو: روح از - جنس- فرمان پروردگار من است». کلمه «مِنْ» در آیه اخیر بیانگر جنس است. یعنی روح از جنس امر خداست. نهایتاً در آیه پنجم بیان می‌دارد: «بدرستی که امر او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می‌گوید: «موجود باش!»، آن نیز موجود می‌شود

«. یعنی بطور خلاصه از این سه آیه می‌توان دریافت که، انسان دارای روح خداست که این روح از جنس امر خداست و امر خدا چنانچه اراده کند به چیزی، و به آن بگوید که موجود باش، پس آن چیز موجود می‌شود. این یعنی اعطای قدرت کامل به انسان بر محقق کردن چیزی که در مقام جانشینی خدا و با تکیه بر علم و دانش اراده می‌کند.

دو نکته مهم دیگر در این سه آیه وجود دارد؛ مورد اول، سجده فرشتگان به انسان پس از اعطای روح خدا به اوست. منظور اصلی آن است که همه علل و اسباب اجرای اوامر الهی در این نظام هستی که همان ملائک و فرشتگانند، از این به بعد در اطاعت و به فرمان و امر انسان هستند. دیگر اینکه، از ظاهر آیه پنجم و آیات مشابه آن چنین برمی‌آید که اراده بر هر چیز، به شرطی واقع می‌شود که بیان شود، و صرف نیت کردن و اراده داشتن شرط لازم یا کافی برای وقوع امر نیست. در نتیجه می‌توان گفت، انسان در مقام جانشین خدا و مدبر جهان هستی به نیابت از او، با تکیه بر علم و دانش اراده می‌کند که امری واقع شود، و چون آنرا بیان کند، اجرا می‌شود.

در نتیجه، انسان از دیدگاه قرآن دارای ویژگیها و تمایزات ذیل نسبت به همه موجودات است:

- جانشین خالق جهان و اداره کننده نظام هستی
- دانا نسبت به همه پدیده‌ها و موجودات عالم
- دارای قدرت بیان به هر صورت ممکن (زبان و هنر و...)
- قادر به اعمال اراده و نظر در همه شؤونات نظام آفرینش

وقتی به گستردگی و پیچیدگی جهان هستی نظر می‌کنیم و جایگاه فعلی انسان را نسبت آن می‌سنجیم، تصور اینکه انسان برای اداره چنین نظامی از جانب خدا برگزیده شده بسیار رویایی و دور از ذهن بنظر می‌رسد. ریشه این فاصله زیاد چیست؟

پس از آنکه آدم به مقام جانشینی خداوند برگزیده شد، و علم آموزی را آغاز کرد و روح خدا در او دمیده شد، خداوند او را در کنار خود و در بهشت جای داد. در واقع، بهشت فضا و ماهیتی است که در آن همه ویژگی‌های ممتازی که برای انسان برشمردیم، در کامل‌ترین وجه ممکن امکان تبلور می‌یابد. اما انسان با تناول از آن درخت ممنوعه، از دستوری که خداوند به

او داده بود سرپیچی کرد. این نافرمانی اولاً مشخص نمود که همه انسانها نمی‌توانند در جایگاه جانشینی خداوند و تدبیر امور جهان هستی قرار گیرند. زیرا اختلاف نظر بین مالک اصلی عالم با جانشین اش موجب خلل در روند تدبیر امور آن می‌شود. و ثانیاً مشخص نمود، اینکه گروهی از انسانها اطاعت امر خدا کنند و گروهی نکنند، قطعاً بین خود آنها هم تضاد آراء و منافع ایجاد می‌کند. حال، از آنجائیکه همه انسانها توان اعمال نظر خود را دارند، تقابل آنها با یکدیگر، باز هم موجب بروز خلل در نظام آفرینش می‌شود. بنابراین خداوند به انسان امر کرد که هبوط نماید. ولی، از سر لطف و فضل و رحمت خود هیچ یک از ویژگی‌هایی که برای انسان برشمردیم، از جمله خلیفه الهی، را از او نگرفت. بلکه صرفاً به او فرصت دیگری داد(اما در فضای عمل بسیار محدودتر) تا خود را بسازد و آماده پذیرش هویتی جدید(بهشتی) و انجام مسئولیت خطیری که بعهدہ گرفته نماید.